



«ایران» اظهارات رئیس جمهوری درباره مشکلات و واکنش ها به آن را به بحث گذاشت

اصلاحات در گرو همکاری همه جامعه

به معنای بیان ضعف و ناتوانی دولت یا شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت نیست. بیان مشکلات به همراه بیان راه‌حل، به این معنی است که مسأله‌های امروز ایران پیچیده‌تر از آن است که با نگاه قدیمی به نهاد دولت و رابطه آن با جامعه قابل حل باشد.

بیان مشکلات از سوی پزشکian

در روزهای اخیر برخی کنشگران سیاسی و رسانه‌های مرتبط با آنان این سؤال را مطرح کردند که چرا رئیس‌جمهوری اینقدر از مشکلات می‌گوید؟ آیا مخاطب این بایدهایی که رئیس‌جمهوری می‌گوید خود دولت نیست؟ منظور این فعالان سیاسی، از جنس سخنانی است که پزشکian در روز ملی پرستار بیان کرد. رئیس‌جمهوری در این آیین‌مهم‌ترین مسائل را روی میز گذاشت. وی گفت: «در همه زمینه‌ها بدون توجه به محدودیت‌های منابع ساختار را گسترش دادیم، امروز به جایی رسیده‌ایم که حتی تا امروز نشان می‌دهد مسعود پزشکian سخن پزشکian هم مورد توجه قرار گرفت که گفت: «هرسال معادل ۱۸۰ میلیارد دلار در کشور بزرین و گاز و نفت مصرف می‌کنیم و این قابل تداوم نیست.»

در همه این موارد، حرف منتقدان این بود که مخاطب این بایدها و مسئول رفیع مشکلات خود دولت است، چرا پزشکian آنها را به صورت عمومی مطرح می‌کند؟ یک

ضروری، حتی و لازم هراصلاحی در حکمرانی است و حال امری است که نظریه‌های جدید توسعه و جامعه شناسی سیاسی یا نظریه‌های دولت شناسی آن را تأیید می‌کنند. برخلاف نگاه سنتی در جامعه ایران که دولت فعال مایشاء تلقی می‌شود و اینطور تصور می‌شود که دولت به دلیل داشتن منابع مادی یعنی اعتبار و پول و منابع قانونی و منابع انسانی یعنی کارمندان می‌تواند هر کاری که بخواهد انجام دهد، یافته‌های جدید علمی نشان می‌دهد هر توان و هر ظرفیت دولت از درون «یک دیالکتیک» بین دولت و جامعه مدنی رخ می‌دهد. مفهوم «دیالکتیک» میان دولت و جامعه مدنی را «مایکل مان» نظریه پرداز انگلیسی مطرح کرد. به باور مایکل مان ظرفیت‌های دولت و توانایی‌های دولت در پیشبرد پروژه‌ها به این بستگی دارد که رابطه آن با جامعه مدنی، اعم از فعالان اقتصادی، فعالان فرهنگی، روستاها، طبقات و مانند آنها چطور باشد. درعین حال نظریه پردازان دیگری مانند «جوئل میگدال» نشان دادند که گاهی

پاسخ به این سؤالات، در همین سخنرانی رئیس‌جمهوری وجود داشت که البته دیده نشد؛ آنچه که پزشکian گفت «ما برای اصلاحات نیاز به همدلی و همراهی جامعه داریم.» این جمله رئیس‌جمهوری که «با تمام وجود برای رفع هرگونه مصداق بی‌عدالتی و تبعیض تلاش می‌کنم، اما تحقق این هدف نیاز به تغییرات رفتاری گسترده و عمیقی دارد که ساده و سهل‌الوصول نیست، باید دست به دست هم دهیم و با صلابت برای ایران خودمان تلاش کنیم» هم دیده یا خوانده نشد. این اظهارات نشان می‌دهد منظور رئیس‌جمهوری این نیست که دولت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مشکلات را حل کند، بلکه منظور او این است که دولت به تنهایی و بدون حمایت مردم و جامعه نمی‌تواند مشکلات را حل کند و انجام اصلاحات مورد نیاز امروز جامعه ما نیازمند همراهی و همدلی جامعه و تغییر رفتار گسترده و عمیق است.

دولت تنها کنشگر جامعه نیست

اظهارات رئیس‌جمهوری نشان می‌دهد که او، نهاد دولت را تنها عامل تغییر و تحول، اصلاحات اداری در جامعه نمی‌داند. در مقابل، پزشکian انجام هر اصلاحی را نیازمند همدلی همگان و تغییرات گسترده رفتاری در سطوح مختلف می‌دانند. این واقعیت مورد اشاره پزشکian، که منتقدان آن را ندیدند، جزء

بگیریم که هر وزارتخانه بنابه مأموریت قانونی خود، منافع و اهداف مختلفی با وزارتخانه‌های دیگر دارد، در بیرون دولت هم می‌توان همکاری برای دولت مشخص کرد. در ایران ریلگذاری برای حرکت دولت از سوی قوه مقننه یا دیگر شوراهای عالی انجام می‌شود. پس از این همکاران درون نظام حکمرانی، گروه‌های مختلف جامعه مدنی هم هستند که دولت باید پروژه‌های خود را در همکاری با آنان پیش ببرد. به عنوان مثال، سیاست افزایش صادرات باید با همکاری بخش خصوصی انجام شود، افزایش کیفیت پرستاران یا پزشکان باشد، مدیریت کمیت و کیفیت کشاورزی در گرو همکاری کشاورزان است و در نهایت مسأله آب، که ذی نفعان مختلف با ظرفیت‌های مختلف دارد.

دولت در خلأ عمل نمی‌کند

بیان این شواهد و دلایل ناظر بر این است که دولت تنها در ایران، بلکه در توسعه یافته‌ترین کشورها نیز دولت در خلأ عمل نمی‌کند. دولت در هیچ

جامع و ارتباطات آنها می‌توانند اقتدر قوی باشند که اساساً سیاست‌ها و پروژه‌های دولت را منحرف کنند و به رغم مصوبه دولت، نتیجه دیگری از آن حاصل کنند. این همه درحالی است که در نظریه‌های جدید نهاد دولت یا قوه مجریه یک نهاد یکدست و یکپارچه تلقی نمی‌شود. زیرا علاوه بر آنکه هر بخش دولت‌ها در مأموریت خود، منافع متفاوتی از دیگر بخش‌ها دارد، توان اجرایی دولت یعنی نظام اداری دولت نیز با هم متفاوت است و توانایی دولت به انجام کارها بستگی به توان نظام اداری هم دارد که کارشناسی و تخصصی باشد یا نباشد.

همکاران نهاد دولت در ایران

در ایران نهاد دولت در خلأ عمل نمی‌کند. در یک ارزیابی ساده، می‌توان دید که قوه مجریه یا سازمان‌های اجرایی و اداری در فضای تعاملی با دیگر بخش‌ها و ارگان عمل می‌کنند. اگر تفاوت دیدگاه‌ها، تفاوت نگاه‌ها و تفاوت توان اجرایی وزارتخانه‌های مختلف درون دولت را نادیده بگیریم و این را هم نادیده

دولت جدید و انتظارات قدیم

در ماه‌های اخیر رئیس‌جمهوری درباره وضعیت نامناسب منابع مالی دولت سخن گفت. دکتر پزشکian با صراحتی که برخی آن را «صاف‌ت تلخ» می‌نامند، اعلام کرد دوران اتکا به دولت برای حل تمامی مشکلات سر آمده و مردم باید برای رفع مسائل استین بالا بزنند. این رویکرد برخی منتقدان را فعال کرد. این منتقدان می‌گویند این سخنان یعنی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت. استدلال آنان چنین است: «فلسفه وجودی دولت و دلیلی که مردم در انتخاب شرکت می‌کنند، سپردن مسئولیت حل مشکلات کلان به یک تیم اجرایی منتخب است.

اگر قرار بر «خودتاکایی» مطلق مردم باشد، جایگاه دولت و ساختار عریض و طویل بوروکراسی دولتی چیست؟» این مناقشه ورای یک جدل سیاسی، از یک مفهوم کلیدی در علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی جرده برمی‌دارد: مفهوم «ظرفیت دولت». ظرفیت دولت، یعنی «توانایی واقعی» یک دولت برای اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف. این مفهوم با «اراده سیاسی» متفاوت است. یک دولت ممکن است اراده کند فقر را ریشه‌کن کند، اما آیا ظرفیت دارد، یعنی ابزار و پول و نیروی انسانی کارآمد این اراده را دارد؟ ظرفیت دولت ابعاد مختلفی دارد، اما دو بعد آن مستقیماً به ایران امروز مربوط است:

۱. ظرفیت مالی یعنی توانایی دولت در استخراج منابع مالی، عمدتاً از طریق مالیات‌ستانی و تراژد و عادلانه برای تأمین هزینه‌ها،

۲. ظرفیت اجرایی یعنی توانایی نظام اداری در اجرای دقیق و غیرفاسد سیاست‌ها. اظهارات رئیس‌جمهوری در واقع اعلام «ظرفیت مالی پایین» دولت است. دهه‌ها اتکا به نفت، تحريم، سوءمدیریت گذشته و ساختار بودجه‌ای ناکارآمد، منووری را به دولت جدید تحویل داده که سوخت کافی برای حرکت ندارد.

جدال کنونی، ناشی از دو تفسیر متفاوت از این «ظرفیت پایین» است:

۱. نگاه سیاست‌گذارانه (روایت دولت): «گذار از «دولت همه‌کاره» از منظر

چگالی گفت‌وگو و ظرفیت حل مسأله دولت

دولت‌ها با مسائل پیچیده، میان‌بخشی و متغیر مواجه هستند که راه‌حل‌های خطی و از پیش تعیین‌شده برای آنها جوابگو نیست. بحران‌های محیط زیستی، فقر، ناکارآمدی حمل‌ونقل و مانند اینها، مسائلی هستند که دولت‌ها با آنها درگیر توانایی دولت برای تشخیص، بازتعریف و هدایت فرآیندهای یادگیری و گفت‌وگو برای مواجهه با مسائل جامعه. این ظرفیت نه صرفاً در منابع مالی و اقتدار قانونی دولت، بلکه در توان آن برای گفت‌وگو و تعامل با جامعه و سایر بازیگران نهفته است. «چول میگدال» در آثارش، دولت را نه موجودیتی یکپارچه و مطلق، بلکه «شبکه‌ای از سازمان‌ها و بازیگران» می‌داند که «در دل جامعه» فعالیت می‌کنند و دائماً با نیروهای اجتماعی در حال چال و پزنی و مذاکراند. از نظر او، دولت‌های کارآمد آنهایی هستند که جامعه را طیفی کرده‌اند، دولت‌هایی هستند که توانسته‌اند الگوی پایداری را تعامل و گفت‌وگو با جامعه بسازند. در این چهارچوب، ظرفیت دولت نه به میزان کنترل آن بر جامعه، بلکه به چگالی روابط و کیفیت گفت‌وگوهایش با نیروهای اجتماعی وابسته است. هرچه دولت بتواند شبکه‌ای گسترده‌تر از ارتباط، گفت‌وگو و اعتماد میان سازمان‌های دولتی، جامعه مدنی، نخبکان محلی و شهروندان برقرار کند، ظرفیت حل مسأله‌اش افزایش می‌یابد. «میگدال» می‌گوید «دولت‌های ضعیف آنهایی هستند که میان نهادهايشان و نیروهای اجتماعی گسست عمیق وجود دارد.» در چنین شرایطی، سیاست عمومی به مجموعه‌ای از فرمان‌های بی‌ارتدیل می‌شود. در مقابل، دولت‌های با ظرفیت بالا آنهایی هستند که در میدان‌های اجتماعی مختلف، توان فهم‌هممی و گفت‌وگو

یادداشت



محمد فکری
دانشجوی دکتری
سیاست‌گذاری
فرهنگی

جامعه‌ای هیچ گاه فعال مایشاء نبوده و پیشبرد پروژه‌های اصلاحی، عمرانی یا توسعه‌ای، نیازمند همکاری‌های درون دولت و سپس همکاری دولت با اجزای مختلف جامعه است. البته که مؤثرترین بازیگر در توسعه یا اصلاح و عمران، دولت‌های جامعه هستند، اما حتی این مؤثرترین بازیگر هم برای تأثیرگذاری بیشتر به همراهی دیگر بازیگران و همکاران نیاز دارد. غفلت از این واقعیت باعث خواهد شد مسأله‌های کشور به درستی شناخته نشود و راه‌حلهایی که از مجرای شناخت ناکافی به دست آمده باشند، خود به پیچیده‌تر شدن مشکلات تبدیل شوند. بنابراین می‌توان دعوت پزشکian را بار دیگر تکرار کرد، دعوت به تغییر، بویژه در تغییر به نگاه دولت و ظرفیت‌های آن و تغییر در جامعه و ظرفیت‌های آن. همان‌طور که پزشکian گفت رفع هر گونه مصداق بی‌عدالتی و تبعیض نیاز به تغییرات رفتاری گسترده و عمیقی دارد که ساده و سهل‌الوصول نیست. باید دست به دست هم دهیم و با صلابت برای ایران خودمان تلاش کنیم.»

سیاست‌گذاری، سخنان پزشکian می‌تواند تلاشی برای «واقعی کردن انتظارات» باشد. در مدل «دولت متکی بر منابع طبیعی»، دولت نقش «توزیع‌کننده» ثروت را دارد و مردم نقش «برایالت‌کننده» این مدل انتظارات توری ایجاد می‌کند. دولت چهاردهم استدلال می‌کند این مدل دیگر جواب نمی‌دهد. وقتی ظرفیت مالی وجود ندارد، اصرار بر توزیع، منجر به چاپ پول، تورم و عمیق‌تر شدن بحران می‌شود. بنابراین، فراخوان به مردم برای «حل مشکلات» نه به معنای رها کردن امور، بلکه به معنای تغییر پارادایم است؛ یعنی گذار از «دولت متکفل» به «دولت تسهیل‌گر». در این مدل جدید، دولت به جای حل مستقیم، باید فضا را برای بخش خصوصی، نهادهای مدنی و کنشگران محلی باز کند. این یک «ضرورت» ناشی از بحران ظرفیت است، نه یک «انتخاب» سیاسی. ۲. نگاه اجتماعی (روایت منتقدان): بحران «قرارداد اجتماعی»: در مقابل، منتقدان از منظر «قرارداد اجتماعی» به ماجرای می‌نگرند. قرارداد اجتماعی ناوخته‌ای این بوده که مردم در ازای پذیرش چهارچوب‌های حاکمیتی، از دولت انتظار تأمین رفاه و امنیت اقتصادی دارند.

شکاف: سیاست‌گذاری در خلأ

این مناقشه یک «شکاف انتظارات» ایجاد می‌کند. وقتی دولت به کم‌توانی خود اذعان می‌کند، اما جامعه همان انتظارات قبلی را دارد، سرمایه اجتماعی و مشروعیت اجرایی فرسایش می‌یابد. چالش دولت چهاردهم در اینجا نهفته است، چگونه می‌توان همزمان «صادق» بود و واقعیت «ظرفیت پایین» دولت را گفت، و هم مسئول بود و برای بازسازی این ظرفیت تلاش کرد؟ راه‌حل، در «دولت همه‌کاره» گذشته و نه در «دولت هیچ‌کاره».

راه‌حل در تعریف یک «قرارداد اجتماعی جدید» است. یعنی این قرارداد که دولت باید شفافیت محدودیت‌های مالی را با یک «برنامه عملیاتی» برای بازسازی ظرفیت دولت همراه کند. این بازسازی باید بر دو محور متمرکز باشد: اول، اصلاحات ساختاری در اقتصاد، مانند اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، و دوم، بازسازی ظرفیت اجرایی مانند کوچک‌سازی بوروکراسی و مبارزه با فساد.

پیدا کرده‌اند. ظرفیت حل مسأله را می‌توان نوعی «توان گفت‌وگو محور» دانست که در پیوند با جامعه شکل می‌گیرد. این ظرفیت زمانی معنا دارد که دولت بتواند میان سطوح مختلف دانش، تجربه و منافع، میانجی‌گری کند. نظریه PDIA (Problem-Driven Iterative Adaptation) از «اندروز و همکارانش» نیز بر همین منطق استوار است: دولت باید از طریق گفت‌وگو با ذی‌نفعان، مسأله را به‌صورت بومی تعریف کرده، با آزمون و خطا و بازخورد، مسیر یادگیری و سازگاری را طی کند.

بنابراین، ظرفیت حل مسأله دولت، حاصل سه فرآیند به‌هم‌پیوسته است: درک و بازتعریف مسأله از طریق گفت‌وگو و تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی، هماهنگی نهادهای میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای خلق پاسخ‌های چندسطحی و در نهایت یادگیری سازمانی و بازخوردپذیری از میدان عمل به سیاست‌گذاری.

این سه مؤلفه بدون حضور جامعه و تعامل افقی با آن بی‌معنا هستند، زیرا دولت منروی نمی‌تواند مسأله‌ای را حل کند که خود در تعامل با جامعه تولید شده است. از اهمیت می‌یابد، ارتباط چگالی گفت‌وگو و ظرفیت دولت است. یعنی ظرفیت حل مسأله دولت، محصول تراکم و تداوم گفت‌وگوهای بین‌سطحی است؛ هرچه این گفت‌وگوها منسجم‌تر باشند، دولت توان بیشتری برای بازتعریف مسأله و طراحی پاسخ‌های خلاقانه خواهد داشت. ظرفیت حل مسأله دولت، به تعبیر «میگدال»، در پیوند میان ساختارهای رسمی قدرت و نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. دولتی که در جامعه ریشه دارد، مسائل را نه از بیرون بلکه از درون تجربه جمعی مردم می‌فهمد. چنین دولتی، به‌جای انباشت اقتدار، به انباشت گفت‌وگو می‌پردازد؛ به‌جای کنترل، به یادگیری و سازگاری می‌آورد. در نهایت، دولت با ظرفیت بالا، دولتی است که چگالی گفت‌وگویش با جامعه زیاد است. دولتی که توان شنیدن دارد، می‌آموزد و از مسیر گفت‌وگو، ظرفیت خود را برای حل مسائل عمومی افزایش می‌دهد.

بنگاه



معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی؛

بانک سرمایه در آینده نزدیک جزو بانک‌های تراز کشور خواهد بود

پیگیری‌های بانک مرکزی و با اقدام‌هایی که در این بانک انجام می‌شود، این بانک نیز در زمره بانک‌های تراز قرار گیرد.»
همچنین معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی افزود: «بانک مرکزی طی سه سال گذشته برنامه‌های مشخص و اساسی در مورد بانک‌های تراز را اجرا کرده است. بر این اساس، آمار بانک‌های تراز از ۱۴ بانک به ۵ بانک ناتراز کاهش یافته است که نشان از موفقیت برنامه‌ریزی‌های بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی است.»

فرشاد محمدپور، معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی اعلام کرد بانک سرمایه بانکی مهم در نظام بانکی کشور است و با افزایش سرمایه در آینده نزدیک در ردیف بانک‌های تراز کشور قرار می‌گیرد.
فرشاد محمدپور، معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی، طی مصاحبه امروز خود از تدوین برنامه مفصل اصلاحی برای بانک سرمایه با همکاری وزارت آموزش و پرورش خبر داد و افزود: «بانک سرمایه بانکی مهم برای مساز و خوشبختانه سهامداران این بانک متعهد به افزایش سرمایه هستند و امیدواریم با